

آثار گیاه‌شناسی تالیفی و ترجمه‌ای در قرن هفتم هجری در تمدن اسلامی

مرضیه خبیری^{الف}، فرید قاسملو^ب، محمدمهدی احمدیان عطاری^ج، عاطفه پیرانی^د، محمود مصدق^{هـ*}

الف دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ پزشکی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

ب عضو هیات علمی گروه تاریخ علم، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، تهران، ایران

ج استادیار، دکترای تخصصی داروسازی سنتی، مرکز تحقیقات گیاه‌درمانی و طب مکمل مبتنی بر شواهد، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

د استادیار، دکترای تخصصی سیستماتیک گیاهی، گروه زیست‌شناسی، دانشکده علوم، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

هـ استاد، دکترای تخصصی فارماکونوزی، گروه داروسازی سنتی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

سابقه و هدف: علم گیاه‌شناسی از پایه‌های داروسازی و داروشناسی است. قرن هفتم هجری مقارن با تحولات اجتماعی و سیاسی مهمی در قلمرو اسلامی از جمله حمله مغول و جنگ‌های صلیبی می‌باشد. با این وجود مطالعات اندکی در زمینه تالیفات گیاه‌شناسی این بازه زمانی صورت پذیرفته است. این مقاله در نظر دارد آثار گیاه‌شناسی قرن هفتم را معرفی نماید.

مواد و روش‌ها: تحقیق به روش کتابخانه‌ای انجام گرفت. آثار گیاه‌شناسی تالیفی و ترجمه‌ای تمدن اسلامی در قرن هفتم مورد استخراج و بررسی قرار گرفت. یافته‌ها: نتایج نشان داد که ۶۱ اثر تالیفی و ترجمه‌ای در قرن هفتم در زمینه گیاه‌شناسی نوشته شده‌اند. از این میان، ۴۵ مورد دارای نسخه خطی هستند و از بقیه موارد تنها نامی در منابع باقی مانده است.

نتیجه‌گیری: بنظر می‌رسد که علی‌رغم همه مسائل و مشکلات پیش آمده در قرن هفتم، دانشمندان این قرن به ترجمه و نقل آثار قبلی اکتفا نکرده و خودشان به بررسی و مشاهده و آزمایش گیاه‌شناسی اقدام نموده‌اند و تعداد قابل ملاحظه‌ای کتاب و رساله جدید تالیف نموده‌اند.

کلیدواژه‌ها: گیاه‌شناسی، قرن هفتم، تمدن اسلامی، الادویه المفردة، قراپادین، الفلاحه.

تاریخ دریافت: مرداد ۹۵

تاریخ پذیرش: مهر ۹۶

مقدمه:

خاصیت غذایی دارند و به مذاق آدمی سازگارند و بدن را قوی می‌کنند. مهمترین کشف گذشتگان، کشف خاصیت دارویی علفها و ریشه‌ها بود که دانستند گیاهان خاصیت مسهلی یا قوی‌آوری یا مُسکنی و نظایر آنها را دارند. انسانها آرام آرام دریافته‌اند که اثر صحیح دارو وقتی است که به مقدار معین استعمال شود و اگر از این مقدار تجاوز کند میتواند موجب مرگ یا تشدید بیماری شود (۳).

قدیمی‌ترین سندی که در کاربرد گیاهان دارویی تا کنون شناخته شده، از لوحهای گلی سومر و اکد متعلق به هزاره سوم پیش از میلاد در بین‌النهرین باستان به دست آمده است که نشان می‌دهد آنان به ارزش برخی داروهای گیاهی برای مقابله با بیماریها عقیده داشتند (۴). در همین راستا، ارسطو (۳۳۰ ق

هر علمی ریشه در پیشینه خود دارد و همواره با گذشت زمان بر تجربه‌ها و دانسته‌های قبلی آن افزوده می‌شود. هر نسل میراث‌دار علمی نسل گذشته بوده و تجربیات او نیز ارزش افزوده‌ای برای نسل بعدی است و به این ترتیب دانش انسان‌ها سیر تکاملی خود را در نسل‌ها ادامه داده و می‌دهد (۱). تقریباً در تمام اقوام و قبایل، انسانها از گیاهانی که در طبیعت اطراف آنها می‌روییده، بهره می‌گرفته‌اند. سابقه‌ی طولانی مصرف افدرا در چین، استفاده از گیاهان معطر در مصر و استفاده از برگ بو در روم باستان همه گواه این مدعا است (۲). مردم رفته رفته و از راه تجربه و آزمون و خطا دریافته‌اند که بعضی از گیاهان سودمندند و بعضی دیگر زیانبخش، پاره‌ای نیز

و چهارم کتاب تاریخ نگارشهای عربی به بررسی این دانش تا اوائل قرن پنجم پرداخته است. محققانی همچون احمد عیسی بک در کتاب تاریخ النبات عند العرب و گورگیس عواد در کتاب مصادر النباتات الطیبه عند العرب آثار گیاه‌شناسی را در نگاهشده‌های عربی در تمدن اسلامی از صدر اسلام تا سده‌های اخیر بررسی کرده‌اند. باید توجه داشت که کاوشهای مذکور محدود به منابع عربی شده است و سایر زبانهای مورد استفاده در تمدن اسلامی از جمله کتاب‌های فارسی و ترکی در این پژوهشها مورد بررسی قرار گرفته اند.

با توجه به اهمیت سیاسی - اجتماعی قرن هفتم هجری که مصادف با حمله مغول و جنگهای صلیبی است؛ این مقاله در نظر دارد به تهیه فهرستی از آثار گیاه‌شناسی دانشمندان مسلمانان در این قرن پردازد.

مواد و روش‌ها:

تحقیق به روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع زیر انجام گرفت:

جلد پنجم کتاب فهرستواره کتابهای فارسی از احمد منزوی؛ فهرستواره دست‌نوشته های ایران (دنا) اثر مصطفی درایتی؛ فهرستواره مشترک نسخه‌های خطی پزشکی و علوم وابسته در کتابخانه‌های ایران تألیف محمدرضا شمس اردکانی و همکاران؛ فهرست مخطوطات الفلاحه، النبات، المیاه و الری ارائه شده در کنگره سوم تاریخ علوم نزد عرب در سال ۱۹۸۸ میلادی در کویت؛ فهرست مخطوطات طب اسلامی اثر رمضان ششن و دیگران؛ عیون الانباء فی طبقات الاطباء اثر ابن ابی اصیبه؛ کتاب مصادر النباتات الطیبه عند العرب اثر گورگیس عواد؛ جلد سوم و چهارم تاریخ نگارشهای عربی اثر فؤاد سزگین، جلد چهارم کتاب تاریخ الادب العربی اثر کارل بروکلیمان و تاریخ النبات عند العرب اثر عیسی بک.

در نهایت فهرست آثار تالیفی و ترجمه ای گیاه‌شناسی تمدن اسلامی در قرن هفتم هجری از منابع فوق منابع استخراج و پس از حذف موارد تکراری به شکل جدول تنظیم گردید. همچنین، معرفی مختصری از مولفین مهم این دوره نیز مورد توجه قرار گرفت.

م) اولین اندیشمندی است که درباره رشد و نمو گیاهان مطلبی نوشته است. پس از وی شاگردش ثوفراست و بقراط در این زمینه آثاری نگاشتند. در دوران عتیق، مشهورترین دانشمند در شناخت گیاهان دارویی پدانیوس دیوسکوریدس طیب و جراح ارتش روم در سالهای ۴۵ تا ۷۵ پس از میلاد است (۵). توجه اعراب قبل از اسلام به علم گیاه شناسی مبتنی بر یک حقیقت اجتماعی بوده و آن نیاز آنها به چراگاهها برای چهارپایان خود بوده است (۶). پس از اسلام، تأکید پیوسته قرآن کریم و اولیای دین بر تفکر و تعقل و آموختن دانش، سبب تشویق و ترغیب مسلمانان به علوم مختلف شد. با گسترده شدن وسعت ممالک اسلامی و از آغازین سال‌های قرن دوم هجری ترجمه کتاب‌های ملل مختلف جهان شروع شد (۷). آنان به گیاه‌شناسی، چون دیگر علوم، رغبت وافر نشان دادند. مترجمان عهد رشید و مأمون، این رشته از معارف را نیز سخت مورد توجه قرار دادند (۸). مهم‌ترین اثر یونانی که در این زمینه به دست گیاه‌شناسان اسلامی رسید، کتاب الحشائش، نوشته دیوسکوریدس، نویسنده اهل آسیای صغیر در سده اول میلادی بود. این کتاب به قلم حنین بن اسحاق و چند تن دیگر از مترجمان نهضت ترجمه به عربی ترجمه شد (۷).

مسلمانان مجموعه وسیعی از اطلاعات یونانی، رومی، بابلی، ایرانی و هندی را به میراث بردند و از ترکیب آنها با یکدیگر شالوده‌ای برای تحقیقات خود در جهان گیاهان فراهم آوردند. توجه دانشمندان اسلامی به گیاهان هم از لحاظ کشاورزی و هم از لحاظ پزشکی بسیار زیاد بود. تألیف کتابهای گیاه‌شناسی در اسلام با رساله‌های جابر بن حیان درباره گیاه‌شناسی و کشاورزی در قرن دوم هجری آغاز شد. همچنین علمای لغت و صرف و نحو این دوره همچون شبیل بن عزره، نصر بن شمیل، ابوزید انصاری بصری، ابو عمرو شیبانی، ابن سکیت کوفی و ابو سعید اصمعی به گیاهان علاقه‌مند بودند و اطلاعاتی درباره اشکال و خواص و نامهای آنها فراهم آوردند (۹). مسیر تکامل و توسعه دانش گیاه‌شناسی در تمدن اسلامی در قرنهای بعدی نیز ادامه یافت.

در این راستا برخی از پژوهشگران به شناسایی آثار گیاه‌شناسی همت گماشته‌اند از جمله فؤاد سزگین در جلد سوم

یافته ها و بحث:

علم النبات

طاش کبری زاده علم گیاه شناسی را در کتابش مفتاح السعاده این گونه تعریف کرده است: «گیاه شناسی علمی است که به دنبال خواص گونه های گیاهی، شگفتی ها، شکل های مختلف، منافع و مضرات آن می باشد و موضوع آن گونه های گیاهی، فواید و منافع آن و شیوه درمان با آن است» (۶).

در نخستین نوشته های گیاه شناسی اسلامی همچون کتاب الحدود جابر بن حیان، گیاه شناسی (علم النبات) و کشاورزی (علم الفلاحة) در یک گروه طبقه بندی شده است، ولی بعدها این دو علم از یکدیگر جدا شد. به همین گونه نخستین تحقیقات و مطالعات داروشناسی از مطالعات و تحقیقات گیاه شناسی مستقل نبود (۹).

دانشمندان و آثار گیاه شناسی قرن هفتم هجری:

قرن هفتم هجری مقارن با جنگ هفتم صلیبی و حمله مغولان از شرق آسیا به ممالک اسلامی بود و این قرن را بخاطر از بین رفتن تمدنها و حمله مغولان وحشی، قرن وحشت نام گذاری کردند (۷). مغولان شرق عالم اسلامی را لجام گسیخته در نوردیدند. بدین روی، بنیادهای فکری و فرهنگی، علمی سیاسی اقتصادی و اجتماعی جهان اسلام ویران گردید و خللی جبران ناپذیر بر پیکره تمدن نوپای اسلامی نشست. در این میان آنچه بیشتر از همه آسیب دید، نهادهای علمی کتابخانه و آموزشگاه ها بودند. دانشمندان، عارفان، فقیهان و شاعران یا به تیغ جهل و جفای تاتار جان دادند و یا کوله باری از کتاب به مناطق امن گریختند. (۱۰) دانشمندانی به شام و مصر که دور از تاخت و تاز مغول بود مهاجرت نمودند (۱۱). خاندان ایوبی با آنکه مدتی طولانی از دوران حکمرانی خود را صرف جنگهای داخلی و خارجی کردند، از پرداختن به فرهنگ و گسترش آن غافل نبودند: دانشمندان، ادبا و اهل فضل را بس گرامی می داشتند و بعضی از آنها را در دستگاه دولت به خدمت می گرفتند (۱۲).

در چنین شرایطی دانشمندان در غرب و شرق جهان اسلام تحقیقات فراوانی در زمینه دانش گیاه شناسی داشتند و نتیجه

تجربیات علمی خود را به شکل کتابها و رسالات مستقل ارزشمندی به نگارش در آوردند. دانشمندان مسلمانان و آثار گیاه شناسی آنها در قرن هفتم عبارتند از:

ابن میمون

موسی بن میمون اسرائیل قرطبی (۵۳۰-۶۰۱ ه.ق)، عالم و فیلسوف و طبیب یهودی که در فقه و شرایع یهود مقام والایی داشت. (۱۳) شرح اسماء العقار، از جمله آثار معروف در زمینه شناخت مفردات است. موسی بن میمون آن را به زبان عربی نگاشته و در مقدمه کتاب بیان می کند که در شرح نام داروها از منابعی نظیر کتابهای ابن جلجل، ابی ولید بن جناح، غافقی، ابن وافر و ابن سمجون استفاده کرده است. مؤلف در این کتاب داروها را بر اساس حروف ابجد مرتب کرده و علاوه بر ذکر نام آنها در زبان عربی، به زبانهای سریانی، یونانی، بربری، فارسی و زبان محلی اندلس هم اشاره می کند. ابن میمون انگیزه خود را از نگارش این اثر، شرح اسامی ادویه شناخته شده در صنعت طب دانسته است و تنها به ذکر نام داروهای مفردهای که دارای بیش از یک نام هستند، می پردازد و از ذکر داروهای شناخته شده نظیر انگور و انجیر که اسم یونانی آنها در کتابهای ترجمه شده دیده می شود پرهیز می کند (۱۴). نسخه هایی از این اثر در کتابخانه فاتح و ایا صوفیا در استانبول (۱۵) و کتابخانه دانشگاه تهران و مطالعات فرهنگی موجود است (۱۶). مایرهوف آن را به زبان فرانسوی (۱۹۴۰م) ترجمه نموده است. این کتاب در سال ۱۴۱۹ ه.ق، در قاهره، مکتبه الثقافه الدینییه، به چاپ رسیده است. همچنین احسان مقدس آن را به فارسی ترجمه نموده و توسط انتشارات نیلوفر در سال ۱۳۹۲ ه.ش به چاپ رسیده است. اثر دیگر وی مختصری از کتاب فی ترکیب الأدویه یا قوی الادویه المركبه جالینوس می باشد که نسخه ایی از آن در کتابخانه آلوارت است. همچنین وی مختصری از کتاب الأدویه المقابله للأدواء جالینوس را نگاشت که نسخه ایی از این اثر نیز در کتابخانه آلوارت موجود است (۱۷).

محمد بن عمر فخر رازی

محمد بن عمر فقیه بزرگ شافعی از حکما و طبیبان بزرگ عالم اسلام است که جامع علوم عقلی و نقلی می باشد. اصل

وی از طبرستان است ولی چون در سال ۵۴۴ هجری قمری در ری زاده شد به امام فخر رازی معروف است. وی در سال ۶۰۶ هجری در هرات درگذشت (۱۸). علم الفلاحه، که از کتاب «یواقیت العلوم» و به زبان عربی نگاشته شده از آثار وی است که نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملک تهران موجود است. مطالب کتاب در باب کشت و آماده ساختن زمین برای کشت و تخم در زمین نهادن و آن را عمل آوردن است. البته خود امام آن را از کتب سایر مؤلفان و متخصصان این رشته فراهم آورده است. این اثر توسط مترجمی ناشناس به فارسی ترجمه شده و نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملی است (۱۹). الفلاحه توسط حسن تاجبخش تصحیح و در مجله سلامت در سال ۱۳۷۴ ه.ش به چاپ رسیده است (۱۸).

ابن هبل

ابوالحسن مذهب‌الدین علی بن احمد بن علی بن هبل بغدادی (۵۱۵-۶۱۰ ه) ادیب، حکیم و پزشک بود. وی در بغداد زاده شد و به سبب اقامت در موصل و خلاط به موصلی و خلاطی نیز شهرت یافته است (۲۰). از آثار وی قرابادین به زبان عربی است که نسخه‌ای از آن در کتابخانه ایا صوفیا ترکیه است (۱۵).

کمال‌الدین حمصی

ابو منصور مظفر بن علی بن ناصر قرشی از دانشمندان برجسته و نامی است. وی در سال ۶۱۲ هجری درگذشت. رساله کامله فی الادویه المسهله، اثری از وی است که ابن ابی اصیبعه در عیون الانباء از آن یاد کرده است (۲۱).

نجیب‌الدین سمرقندی

ابوحامد محمد بن علی بن عمر سمرقندی، ملقب به نجیب‌الدین، از اطباء و داروشناسان بزرگ ایرانی است وی در سال ۶۱۸ هجری در هرات در حمله مغول کشته شد. سمرقندی تألیفات بسیاری در زمینه پزشکی و داروشناسی داشته است. (۱۸) از وی کتب و رسالاتی در دست است از جمله: رساله فی ابدال الادویه که نسخه‌هایی از آن در دارالکتب مصر است؛ (۱۵) ابدال الادویه التی وردت فی کتاب الادویه المفرده

السمرقندی، رساله‌ای درباره بدل داروها در کتاب ادویه مفرده وی، به ترتیب حروف الفباء است (۲۲). نسخه‌ایی از آن در دارالکتب الوطنیه تونس است؛ الابدال من المعاجین و الاقراص و الادویه المفرده و غیرها، نسخه‌ای از آن در کتابخانه رباط است؛ (۱۵) ادویه عین درباره داروهای درمان بیماریهای چشم، از قرابادین سمرقندی است. نسخه‌هایی از آن در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم موجود است؛ (۲۳) ادویه قلبیه، گفتار بسیار کوتاه از ادویه قلبیه و مفرحات و ترکیب آنها است (۲۴). و نسخه‌هایی از آن در کتابخانه آیت الله مرعشی، مجلس شورا، دانشکده حقوق تهران و دانشگاه تهران وجود دارد (۲۵). این اثر به کوشش احسان مقدسی، ضمن کتاب چهار مقاله از نجیب‌الدین سمرقندی توسط انتشارات منشور سمیر و نیلو برگ در سال ۱۳۹۳ ه.ش. به چاپ رسیده است؛ الادویه المفرده المستعمله و ذکر خواصها، در این رساله «ادویه مفرده و مسهله» در دو بخش به ترتیب حروف ابجد مرتب شده است (۲۴) و نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های آیت الله مرعشی، مجلس شورا، دانشکده حقوق تهران، دانشگاه تهران (۲۵)، دارالکتب الوطنیه تونس، لیدن، دارالکتب المصریه، رامپور، پاریس و کتابخانه عارفه حکمت مدینه موجود است؛ (۱۵) اصول التراکیب که به زبان عربی نگاشته شده است دارای ۱۹ باب در بیان قوای ادویه و قوانین و اصول ترکیب آنها است (۲۶). نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های ملک، آیت الله مرعشی، سنا، آستان قدس، دانشگاه تهران، مجلس شورا، مدرسه فاضلیه قم (۲۷) و متحف العراقی موجود است (۲۸). این اثر توسط نجلاء قاسم عباس تصحیح و انتشارات جامعه بغداد در ۱۴۰۵ ه.ق آن را منتشر نموده است همچنین نسخه‌ای از اصول التراکیب به زبان فارسی در کتابخانه آصفیه است (۲۹). الاقربادین علی ترتیب العلیل التی ذکر فی کتاب الاسباب و العلامات، مشتمل بر ذکر ادویه به ترتیب ذکر علل در کتاب مشهور دیگرش موسوم به الاسباب و العلامات است (۲۶) نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های متحف عراقی، مکتبه احمدیه حلب، رباط، دارالکتب المصریه (۱۵)، دانشگاه تهران، آستان قدس، خانقاه احمدیه، آیت الله مرعشی، ملک، ملی، جامع گوهر شاد، آیت الله گلپایگانی، سنا موجود است (۲۷)، اثر دیگر وی تتمه قربادین

است که نسخه‌ای از آن در کتابخانه دانشگاه تهران، وجود دارد؛ (۳۰) نسخه‌ای از قسم الاقربادین من النجیبیات در کتابخانه طلعت قاهره وجود دارد (۱۵). همچنین نسخه‌هایی از قوانین ادویه مفرده در کتابخانه مجلس شورا وجود دارد (۳۱).

بلغاری

حسن بن یونس، پزشک - داروشناس، در گذشته پس از ۶۱۷ هجری قمری است. ابن ابی اصیبعه شخصی را به نام «التاج بلغاری» ذکر کرده که پزشک و گیاه‌شناس نامدار و همروزگار با رشیدالدین بن صوری بوده است و ابن صوری ردی بر کتاب بلغاری که درباره ادویه مفرده است، نگاشت. اثری به نام الادویه المفرده دارد که کتابی درباره خوراکیها و داروهای مفرده و مرکب است و در سال ۶۱۷ هجری نگاشته شده است (۳۲). این کتاب شامل دو بخش است. نخست مقدمه‌ای نسبتاً مبسوط و دوم، بخش اصلی کتاب است. نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های دانشگاه تهران (۲۷) و مغنیسا در ترکیه وجود دارد (۳۳).

صدقه السامری

صدقه بن منجا السامری، پزشکی که در سال ۶۲۰ هجری قمری در حران وفات یافت (۳۴) و ابن ابی اصیبعه مقاله فی اسامی الادویه المفرده را از آثار وی برشمرده است (۳۵).

مهذب الدین دحوار

مهذب الدین ابو محمد بن علی بن حامد معروف به دحوار (د ۶۲۸ ه / ۱۲۳۰ م) استاد بیمارستان نوری دمشق بود (۱۸). ما یقع فی الادویه المفرده من التصحیف از آثار اوست که نسخه‌ای از آن در کتابخانه حکیم اوغلی در ترکیه وجود دارد (۳۳).

عبداللطیف بغدادی

موفق الدین عبداللطیف بغدادی شافعی (۵۵۷-۶۲۹ ق) معروف به «لباد» در زبان، فقه، تاریخ، فلسفه و طب دانشمند بود. وی کتابهای زیادی در زمینه پزشکی، نحو، منطق، اصول دین، حیوان شناسی و گیاه‌شناسی نگاشت (۶) وی دارای آثار متعددی است از جمله: مقاله فی الراوند که نسخه‌ای از آن در

کتابخانه ابی مصطفی الخلاصی در حلب موجود است؛ (۱۵) موازنه الادویه اثر دیگر اوست که نسخه‌ای از آن در کتابخانه مکتبه الزهراء اصفهان موجود است (۳۶). همچنین بنابر اظهارات ابن ابی اصیبعه وی کتاب کبیر فی الادویه المفرده، اختصار کتاب الادویه المفرده لابن وافد، اختصار کتاب الادویه المفرده لابن سمجون، اختصار کتاب النبات لأبی حنیفه الدینوری و انتزاعات من کتاب دیسقوریدس فی صفات الحشائش را نگاشته است (۳۵).

ابن رومیه

ابوالعباس احمد بن محمد بن مُفَرِّج (۵۶۱-۶۳۷ ه.ق)، ملقب به عشاب، نباتی، گیاه‌شناس و داروشناس، محدث و فقیه ظاهری مالکی بود. نیای بزرگش از پزشکان قُرطبه بود. وی همزمان با تحصیل علوم دینی به پژوهش در گیاه‌شناسی نیز همت گماشت و برای تکمیل معلومات خود زادگاهش را ترک گفت. ابتدا در مغرب العُدوه (در اندلس) به مطالعه و شناخت ویژگی‌های گیاهان پرداخت. پس از آن به افریقه رفت، سپس در سال ۶۱۳ هجری وارد مصر شد. آنگاه به شام و عراق و حجاز مسافرت کرد و در تمام این مدت به پژوهش درباره گیاهان مشغول بود. تخصص او به ویژه در گیاه‌شناسی بود، چندانکه ابن ابی اصیبعه که معاصر وی بوده است، او را از بزرگ‌ترین علما و فضلا دانسته است. آثار متعددی از وی نقل شده است از جمله: کتاب الرحله النباتیه که کتابی ارزشمند، علمی و قابل توجه در گیاه‌شناسی و داروسازی به شمار می‌رود. ابن رومیه گیاهان بسیاری را در شمال افریقا به خصوص در مغرب و نیز در نواحی دیگر مانند مصر و حجاز کشف و نام و خواص آنها را در «الرحله النباتیه» جمع آوری کرد و گر چه این کتاب به دست ما نرسیده است، اما ابن بیطار در جای جای کتاب جامع المفردات از آن نام برده است (۳۷). از دیگر آثار وی التنبیه علی اغلاط الغافقی است و محمدابن خطیب در کتاب «الاحاطه فی اخبار غرناطه» از آن نام برده است (۳۸). همچنین ابن ابی اصیبعه از وی مقاله فی ترکیب الادویه و تفسیر اسماء الادویه المفرده من کتاب دیسقوریدوس را در عیون الانباء ذکر کرده است (۳۹).

رشیدالدین صوری

رشید الدین ابوالفضل بن علی صوری، بین سالهای ۶۳۹-۵۷۳ هجری قمری می‌زیست. در صور واقع در لبنان به دنیا آمد و در دمشق دارفانی را وداع گفت (۶). ابن ابی اصیبعه از الادویه المفردة و الرد علی کتاب التاج البلغاری وی در عیون الانباء یاد کرده است (۳۵) و درباره او می‌گوید: «ابو منصور بن ابوالفضل بن علی صوری بر جامع حرفه پزشکی مسلط بود و بر محاسن آشکار و پنهان آن مطلع بود. وی در شناخت داروهای مفرد و ماهیت آنها و اختلاف اسامی و صفات آنها و تحقیق پیرامون خواص و تأثیرات آنها در عصر خویش بی‌نظیر بود». همچنین می‌گوید: «او با یک نقاش همراه بود که با خودش انواع رنگ‌ها و لایقه‌های (قلم موها) مختلف و متنوع داشت. رشید الدین صوری به مناطقی که در آنها گیاه بود همچون منطقه‌ی جبل لبنان و دیگر مکان‌ها که هر یک اختصاص به گیاهی خاصی داشت، روانه می‌شد و گیاه را می‌دید و روی آن تحقیق می‌کرد و آن را به نقاش نشان می‌داد، نقاش نیز رنگ و اندازه‌ی برگ و شاخه‌ها و ریشه‌های آن را بررسی می‌کرد و سپس تمام موارد را در نظر می‌گرفت و سعی می‌کرد درست مثل آن در آورد. علاوه بر این شیوه‌ی را برای نقاشی گیاهان به کار می‌برد و آن این بود که گیاهان را در مراحل مختلف رشد گیاهی‌شان به نقاش نشان می‌داد. از آغاز حیات گیاه و مرحله رشد و طراوت آن را به نقاش نشان می‌داد که آنها را به تصویر بکشد. سپس مرحله کامل شدن دانه‌دار شدن آن را به او نشان می‌داد و نقاش بر اساس آن، می‌کشید، سپس مرحله خشک شدن آن را نیز نشان می‌داد و او را به تصویر می‌کشید، در نهایت به صورت یک دارو در می‌آمد که بیننده آن را در کتاب می‌دید. درست به همان گونه‌ای در می‌آمد که ممکن بود آن را در روی زمین ببیند. از این رو تحقیق او در مورد گیاه کامل‌تر و شناخت او از آن آشکارتر می‌شد» (۶).

ابن ابی البیان

داوود بن سلیمان بن ابی الفرج، ملقب به سدید الدین پزشک و داروساز یهودی تبار مصری (۵۵۷-۶۴۰ ه.ق) است. وی در ترکیب داروها و داروشناسی کاربردی تواناترین پزشک

روزگار خود بود. قراپادین مهمترین تألیف او در داروسازی است و مشتمل بر ۱۴ بخش است که در آن نام داروهای گوناگون و رایج در بیمارستانها و داروخانه‌های مصر، عراق و شام گرد آمده است. (۴۰) نسخه‌هایی از آن در غوطا، بادلیان، ظاهریه (۱۵) یوسف آغا، بغداد لی وهبی موجود است (۳۳). این اثر به کوشش بولس سباط در المجمع العلمی المصری در قاهره به سال ۱۹۳۲ میلادی چاپ شد (۱۵).

ابن بیطار

ضیاءالدین ابومحمد عبدالله بن احمد مالقی (۵۹۳-۶۴۶ ق) معروف به ابن بیطار ملقب به عشاب، گیاه‌شناس و داروشناس اندلسی است. (۶) وی در اشبیلیه که در آن روزگار پایتخت موحدون، مرکز علم و ادب بود، دانش آموخت و با استادان خود، عبدالله بن صالح، ابوالحجاج یوسف بن موراطیر و ابن الرومیه، در اطراف آنجا به بررسی و گردآوری گیاهان دارویی پرداخت. ابن بیطار در حدود سال ۶۱۷ هجری به قصد تحقیق در محتویات گیاه‌شناختی آثار پیشینیان و معاینه و گردآوری عقاقیر، راهی مشرق یعنی کشورهای غربی جهان آن روز اسلام شد و از شمال افریقا (مراکش، الجزایر و تونس) دیدن کرد. در این مسافرتها، بسیاری از اهل فن را ملاقات کرد و از آنان اطلاعات بسیار درباره‌ی گیاهان محلی به دست آورد (۴۱). در کتاب الجامع وی ذکر وصف، خواص و نام‌های محلی (عمدتاً، بربری) این (نو) یافته‌ها دیده می‌شود (۴۲). سپس به شام رفت در آنجا به خدمت سلطان ایوبی الملک الکامل درآمد و در زمینه داروهای مفرد و گیاهان پزشکی، معتمد وی گشت و سلطان او را به ریاست عشابان و «اصحاب البسطات» (ظاهراً به معنی داروفروشان یا عطاران) در قلمرو خود بگماشت. پس از مرگ این سلطان (۶۳۵ ق/ ۱۲۳۷ م)، ابن بیطار به قاهره رفت و به خدمت پسر و جانشین او، الملک الصالح نجم‌الدین ایوب، پیوست. با اینهمه پس از چندی به دمشق بازگشت و تا پایان عمر در آنجا بود (۴۱). فعالیت علمی وی در مصر و شام نیز ادامه یافت و از اشاراتی که وی به رویشگاه‌های فلان یا فلان گیاه کرده چنین برمی‌آید که، دامنه جست و جوی خود را از پایگاهش در دمشق فراتر برده و به بخشی از کرانه مدیترانه‌ای

آناتولی، به بخشهایی از شمال عربستان و حتی تا بین النهرین یا به قولی تا «عراق و ایران» سفر کرده است (۴۲).

کتاب الابانه و الاعلام بما فی المنهاج من الخلل و الاوهام، وی این کتاب را برای ملک کامل قبل از سال ۶۳۳ قمری تألیف نمود. این کتاب در بیان بسیاری از اشتباهات ابن جزله در کتاب منهاج الیابان فی ما يستعمله الانسان نگاشته شده است (۴۱) و داروهای مفرده به ترتیب حروف الفبا مرتب گردیده است و ۱۳۱ مورد رابیان کرده است (۴۳). نسخه‌هایی از آن مکتبه الحرم المکی الشریف و معهد التراث در حلب موجود است (۱۵).

تفسیر کتاب دیسقوریدس پس از ترجمه کتاب الحشایش اثر دیاسقوریدس نام و ماهیت برخی از ادویه‌ها مجهول مانده بود برخی از دانشمندان دوره‌ی اسلامی از جمله ابن بیطار کتابهای در شرح داروها و مجهولات آن تألیف نمودند (۴۴). این کتاب شامل چهار مقاله است. که مقالات به ترتیب کتاب الحشایش دیسقوریدس مرتب شده است (۴۳). نسخه‌ای از آن در کتابخانه حرم در مکه موجود است. این کتاب توسط ابراهیم بن مراد تصحیح و توسط انتشارات دار الغرب الاسلامی در سال ۱۹۸۹ میلادی منتشر شده است.

الجامع لمفردات الادویه و الاغذیه، مهم‌ترین و معروف‌ترین اثر ابن بیطار که الجامع فی الطب نیز نام دارد و در واقع بزرگ‌ترین دائرةالمعارف داروشناسی بازمانده از قرون وسطی است (۴۱). که ابن بیطار آن را بین سالهای ۶۳۵-۶۴۶ هجری برای ملک صالح تألیف نموده است (۴۵). الجامع کتابی پیرامون شناخت ادویه مفرده و خصوصیات ظاهری اصناف حشایش، و نباتات طبی و خواص و منافع و تأثیرات و کیفیت استعمال و مراتب قوای آنها بترتیب حروف معجم است (۲۶). این کتاب ۳/۵ بار بزرگتر از صیدنه ابوریحان بیرونی است (۴۶). از مزایای آن ذکر نام‌های مرادف بسیاری از مواد دارویی (به ویژه گیاهی) است، نه فقط به زبان‌های کلاسیک، داروشناسی دوره اسلامی (یعنی عربی، یونانی معرب و سُرّیانی) بلکه به زبان‌ها و گویش‌های اندلس، شمال افریقا (بربری) خاور نزدیک و میانه (مصر، شام و جز آن) و حتی به فارسی و (در مورد مواد وارداتی از هند یا جنوب شرقی آسیا) به هندی است (۴۲). ابن

بیطار از حدود ۱۴۰۰ مفرده‌ای که وصف کرده است. تقریباً ۱۰۰۰ دارو را مؤلفان یونانی پیشین (به ویژه دیسقوریدس و جالینوس) شناخته بودند، ولی ۴۰۰ ماده‌ی دیگر را (که تقریباً ۲۰۰ مورد آنها گیاهی است) دانشمندان دوره‌ی اسلامی (تا روزگار مؤلف) به فرابادین افزوده‌اند، که سهم بزرگی در پزشکی و داروشناسی قدیم داشته است (۴۱). از الجامع نسخ خطی متعددی در کتابخانه‌های جهان است از جمله در کتابخانه مجلس شورا، سنا، ملی، آستان قدس رضوی، دانشگاه تهران، ملک، آیت الله مرعشی (۲۷) المتحف العراقی موجود است. این کتاب ابتدا در سال ۱۲۹۴ ه.ق/۱۸۷۴م توسط انتشارات بولاق به چاپ رسید. همچنین به کوشش لکلرک (Leclerc) به فرانسه ترجمه و در سه جلد در پاریس در سال ۱۸۷۷-۱۸۸۳ م چاپ شد و نیز توسط فون زونتهایمر (Von Sontheimer) به آلمانی ترجمه و در دو جلد در سال ۱۸۷۲-۱۸۷۰ چاپ شد (۱۵).

الجامع تأثیری بزرگ بر داروشناسی مشرق اسلامی و غیر اسلامی داشته است و بسیاری از مؤلفان متأخر، با ذکر مأخذ یا بدون آن، از آن نقل کرده‌اند و به سبب اهمیت و سیاق تألیف الجامع، تلخیصها و یا تحریرهایی نیز از آن انجام گرفته است (۴۱) از جمله، مالایسع الطیبی جمله از ابن کتبی (تألیف در ۷۱۱ق)؛ مختصر مفردات ابن بیطار از سویدی (۶۰۰-۶۹۰ ق)؛ مختصر مفردات ابن بیطار از ابن منظور (۶۳۰-۷۱۱ق)؛ مختصر مفردات ابن بیطار از عبدالرحمن بن داود حنبلی (قرن ۹ هجری) (۱۵)؛ ذخیره العطار من مفردات ابن بیطار از ابوسعید بن ابراهیم مغربی (۱۹)؛ منتخب الجامع از عبدالله ابزری (۳۳)؛ کتاب النباتاز علی بن عوض (۲۹) همچنین این اثر توسط اسحاق بن مراد، هزارفن حسین افندی (د: ۱۰۸۹ ق)، عبد الرحمن بن یوسف و نیز مترجمی ناشناس به ترکی ترجمه شده است (۳۳).

المغنی فی الادویه المفرده، این کتاب را ابن بیطار به فرمان الملک الصالح نجم الدین ایوب در قاهره (۶۳۵-۶۳۷ ق) تألیف کرد (۴۵)، دارای بیست باب و همانند الجامع است جز اینکه به ترتیب بیماریهای اعضا می‌باشد (۴۳). نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های پاریس، طوب قاپ سرایی استانبول، بلدیة

الاسکندریه و موسسه مطالعات شرقی لنینگراد موجود است (۱۵).

نجم الدین بن المنفاخ

نجم‌الدین ابوالعباس احمد بن ابوالفضل اسعد بن حلوان، مشهور به ابن عالمه و ابن منفاخ (۵۹۳ - ۶۵۲ ق)، پزشک مشهور دمشق است (۳۴). ابن ابی اصیبعه در عیون الانباء از کتاب الاشارات المرشده فی الادویه المفرده وی نام‌برده است (۳۵).

کوهین عطار هارونی

داوود بن ابی نصر مشهور به کوهین عطار هارونی، کتاب منهاج الدکان و دستورالاعیان فی اعمال، را به سال ۶۵۸ هجری قمری به زبان عربی به رشته تحریر درآورده است (۱۵). منهاج الدکان را باید از جمله مهم‌ترین و معتبرترین قرابادینها دانست. در این کتاب موضوعاتی نظیر انواع اشکال دارویی، داروهای جایگزین، اسامی داروهای مفرده و اوزان و مقادیر، امتحان ادویه‌ی مفرده و مرکبه، چگونگی جمع‌آوری و نگهداری داروهای مفرده و عمر مفید آنها بیان شده است (۴۷). نسخه‌های فراوانی از آن در کتابخانه‌های جهان وجود دارد از جمله در کتابخانه سنا، دانشکده پزشکی تهران (۲۷)، سلیم آغا، شهید علی، فاتح، ولی الدین افندی، احمد الثالث و نور عثمانیه در ترکیه نسخه‌هایی از آن موجود است (۳۳). این اثر بارها چاپ شده است و موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران افست اثری را که حسن ابراهیم الحموی تصحیح و تحقیق نموده را در سال ۱۳۸۳ ه.ش منتشر ساخته است.

رشید الدین أبو خلیقه

رشید الدین أبو الحسن بن فارس ابی الخیر معروف به ابو حلیقه از پزشکان بزرگ روزگار خود بود. وی در سال ۵۹۱ هجری در مصر بدنیا آمد (۳۴) و در حدود سال ۶۶۰ در گذشت (۱۵). ابن ابی اصیبعه المختار فی الالف عقار را آثار وی ذکر کرده است (۳۹).

ابو المظفر

ابو المظفر محمد فرزند المستقر طبیبی که در روزگار ارغون خان (حک: ۶۸۳-۶۹۰ ق) می‌زیسته است وی اساس الادویه را به زبان فارسی نگاشته است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه کشمیر موجود است (۲۹).

ابوالفرج غریغوریوس بن اهرن

ابوالفرج غریغوریوس بن اهرن (د: ۶۸۴ ق) معروف به ابن عبری، سر اسقف و دانشمند برجسته یعقوبی است. وی در ملتیه ارمنستان کوچک به دنیا آمد. یوحنا نزد پدر و چند تن از دانشمندان ملتیه به تحصیل علوم و از جمله پزشکی پرداخت و زبان و ادبیات سریانی و عربی و یونانی را نیز فرا گرفت. وی تلخیصی از کتاب جامع المفردات غافقی با عنوان منتخب کتاب جامع مفردات غافقی فراهم آورده است. او موضوعات مهم متن را حفظ و موارد کم اهمیت را حذف کرده است (۴۸) و نسخه‌هایی از آن در متحف الفن الاسلامی و دار الکتب المصریه موجود است. این اثر رامایرهوف و جرجی صبحی تصحیح نموده و به همراه ترجمه انگلیسی آن در قاهره ۱۹۳۲-۱۹۴۰ م به چاپ رسانیده‌اند (۱۵).

عماد الدین الدنیسری

عماد الدین محمد بن عباس بن احمد بن الربعی الدنیسری (۶۸۶-۶۰۵ ق) در شهر دنیسر (جزیره‌ای نزدیک ماردین) متولد شد. وی در دمشق ساکن شد و در بیمارستان کبیر مشغول به کار شد. (۴۹) ابن ابی اصیبعه مقاله المرشده فی درج الادویه المفرده را از آثار وی نام برده است (۳۵).

ابن نفیس

ابوالحسن (ابوالعلاء) علاء الدین علی بن ابی‌الحزم، ابن نفیس قرشی، پزشک مشهور دمشقی و کاشف گردش ریوی خون است که در ادب، منطق، فلسفه و علوم دینی نیز دستی قوی داشت. تاریخ درگذشت او در سال ۶۸۷ هجری است (۵۰). وی کتاب شامل را در حدود ۳۰ سالگی نوشت. این کتاب مشتمل بر هشتاد دفتر از یادداشت‌های او بود که گویا در مجموع به ۳۰۰ دفتر بالغ می‌شد (۵۱). شامل فی الصناعاته الطبیه، یکی

را به یکی از شاهان عصر خود اهدا نموده است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه آستانه معصومیه قم موجود است (۵۳).

ابن سَویدی

ابواسحاق عزالدین ابراهیم بن محمد بن طرخان انصاری (۶۰۰- ۶۹۰ ق/۱۲۰۴-۱۲۹۱ م)، طبیب و شاعر دمشقی است (۵۴). ابن سَویدی علاوه بر نوشتن گزیده‌ای از الجامع لمفردات ابن بیطار که نسخه‌ای از آن در المکتبه الوقفیه حلب است (۱۵)، کتاب التذکره الهادیه و الذخیره الکافیة فی لادویه المفردة را که به «قرباذین سَویدی» نیز معروف است، را نگاشته است. وی در این کتاب داروها را بر حسب اعضای بدن و بیماریها ذکر کرده و تجربیات خود و دیگران را جمع نموده است و همچنین در موارد مختلف به آراء مختلف دانشمندان طب اشاره می‌کند (۵۵). نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های چستریتی، آصفیه، رامپور، بانکپور (۱۵)، وزیر یزد، دانشگاه تهران و جامع گوهرشاد موجود است (۲۷). این کتاب بارها در قاهره در سالهای ۱۲۷۵، ۱۲۹۸، ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ هجری قمری به چاپ رسیده است (۵۴). همچنین توسط بدرالدین محمد بن قوصونی و عبدالوهاب شعرانی (د: ۹۳۲ق) (۱۵) محمد بن اسحاق بن ابی العباس ابرقویبی (۵۳) و دو مؤلف ناشناس خلاصه شده است (۵۶)، (۳۰).

امین الدوله والدین

امین الدوله والدین، که احتمالاً همان امین الدوله طبیب اوتاجی است که در دوره حکومت محمود غازان خان (۷۰۳- ۶۹۴ ق) می‌زیسته است (۲۹). وی اثری در بیان خاصیت نباتات و گیاهان را به فارسی به نام حکمت نگاشت که نسخه‌ای از آن در کتابخانه مغنیا در ترکیه وجود دارد (۲۹).

علی بن رسول ترکمانی غسانی

شمس الدین مظفر یوسف بن نور الدین منصور عمر بن علی بن رسول ترکمانی غسانی یمنی، دومین پادشاه از خاندان رسولی در یمن است. وی در سال ۶۱۹ هجری در مکه دیده به جهان گشود و سال ۶۴۷ هجری، در صنعا به حکومت رسید و علاوه بر مملکت‌داری و مشغولیت به کارهای نظامی و

از مهمترین کتب داروشناسی در جهان اسلام است. داوری درباره برتری یکی از دو اثر الشامل ابن نفیس و الجامع ابن بیطار بر دیگری، به‌عنوان بزرگ‌ترین و مبسوط‌ترین اثر داروشناسی به زبان عربی، دشوار است؛ اما در بسیاری موارد، شرح و تفصیل ابن نفیس از داروها بسیار بیش از آن چیزی است که در کتاب ابن بیطار آمده است. در قیاس می‌توان گفت ابن نفیس مفصل‌تر از ابن بیطار به معرفی داروها پرداخته در حالی که ابن بیطار بیش از هر چیز به ذکر منابع نوشته‌های خود به ویژه آرای دیوسکوریدس و مانند آن اهتمام داشته است. پس از الشامل، کمتر کتابی با این وسعت در داروشناسی دوره اسلامی پدید آمده است (۵۲).

الشامل دارای سه فن است. فن اول دارای چهار بخش است و به طب نظری اختصاص دارد، فن دوم نیز دارای چهار بخش و درباره‌ی اصول کلی، آلات و ابزار جراحی و اعمال یدای است و فن سوم خود شامل دو جزء است که جز اول در دسترس نیست و جزء دوم که بطور کامل وجود دارد در ۲۸ کتاب شامل ادویه مفرده است (۱۱). جزء دوم از فن سوم آن، شامل ۲۸ کتاب به ترتیب حروف الفبا است. هر کتاب اختصاص به یکی از حروف دارد و هر دارو در یک مقاله توصیف می‌گردد و هر مقاله شامل چند فصل است (۱۱). این کتاب تا ۱۹۵۲ میلادی گم شده انگاشته می‌شد. در این تاریخ بخشهایی از آن در زمره مخطوطات اسلامی کتابخانه کمبریج فهرست شد و با مقایسه معلوم گردید که پیش از آن نسخه‌هایی از چند بخش از این کتاب در فهرست بادلیان بی‌ذکر نام مؤلف آمده بوده است. همچنین نسخه‌های دیگری نیز در موزه عراق، کتابخانه ظاهریه و در کتابخانه پزشکی لاین دانشگاه استانفورد کالیفرنیا موجود است (۵۰). این کتاب توسط دکتر یوسف زیدان تصحیح و در سال ۲۰۰۰ میلادی در ابوظبی به چاپ رسیده است.

ابراهیم بن بزرگمهر عراقی

ابراهیم بن بزرگمهر عراقی (۶۱۰-۶۸۸ ق) تحفه خانیه را که رساله‌ای در بیان شناختن چوب چینی، خواص پزشکی و طبیعی و طریقه چیدن و تهیه آن است، به فارسی نگاشته و آن

در سال ۶۲۶ هجری قمری به عربی ترجمه کرده است (۳۳). نسخه مصور فوق العاده نفیسی از آن که روی پوست آهو کتابت شده در کتابخانه پاریس وجود دارد (۲۶).

ابوبکر بن علی بن عثمان کاسانی

ابوبکر بن علی بن عثمان کاسانی (اهل کاسان، شهری در ولایت قدیم فرغانه در ما وراء النهر) است. الصیدنه فی الطب اثر ابوریحان بیرونی را ترجمه نموده است. ابوبکر پس از جلای وطن و استقرار در هند، نسخه‌ی نسبتاً کاملتری از کتاب الصیدنه موجود بیرونی را به سبکی خاص به فارسی ترجمه و به سلطان دهلی، شمس الدین ابوالفتح ایلتتمش اهدا کرد (احتمالاً در ۶۲۵ ق) (۳۲) البته مترجم توفیق قابل توجهی از لحاظ نقل اثر چنانکه باید و شاید نیافته است. ترجمه‌ی او از اشتباهات و اغلاط و سقطات خالی نیست (۶۰). و تفاوت‌های عمده‌ای میان محتویات دو متن عربی و فارسی وجود دارد به طور مثال کاسانی مقدمه بیرونی را به اختصار نقل می‌کند و غالباً بخش کاملی از آن را حذف می‌کند همچنین همه‌ی استشهداها به شعر عرب، و بسیاری از مدخل‌های کوتاه را حذف کرده است. در عوض، مدخل‌هایی در متن فارسی هست که در الصیدنه موجود نیست و یا در متن فارسی مشروح‌تر است (۳۲). از این ترجمه چندین نسخه در کتابخانه‌های دانشگاه تهران، مغنيسا، لغتنامه دهخدا (۱۹)، جرنل، موزه بریتانیا موجود است (۲۹). این کتاب توسط ایرج افشار و منوچهر ستوده تصحیح و در سال ۱۳۵۲ منتشر گردید.

الصورى

سبط رشید الدین الصورى، علی بن یوسف بن عبد الله المقدسى در قرن هفتم هجری زندگی می‌کرده است. وی شامل فی الادویه المفرده که نسخه‌ای از آن در کتابخانه طوپ‌قاپی ترکیه وجود دارد را نگاشته است (۳۳).

نظام الدین محمود بن محمد هروی

نظام الدین مؤلف کتاب المغنی فی الادویه المفرده است که نسخه‌ای از آن در کتابخانه ایا صوفیا وجود دارد (۳۳).

سیاسی، پادشاهی دانش دوست و دانشمند نیز بود و بارگاه او محل بحث علماء بود. وی تألیفاتی از خود به یادگار گذاشت (۵۷). از جمله بغیه الفلاحین فی الأشجار المثمره و الریاحین که کتابی در باب زراعت و غرس گیاهان و فوائد و منافع و طبایع و مضار انواع میوه‌ها و طرق دفع آفات است. نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های آستان قدس رضوی (۵۸)، طوپ‌قاپی، مکتبه الجامعه الکبیر صنعا و دارالکتب الوثائق القومیه قاهره موجود است (۵۹). همچنین ملح الملاحه فی المعرفه الفلاحه از تصانیف جدش الملک الأشرف در زمینه کشاورزی است که غسانی در تألیف بغیه الفلاحین از آن بهره برده است (۵۸).

اثر دیگر وی، المعتمد فی الادویه المفرده است که کتابی در تعریف خواص و منافع ادویه‌ی مفرده به ترتیب حروف معجم است. (۲۶) این اثر گزیده‌ای از کتابهای، الجامع لقوی الادویه و الاغذیه از ابن بيطار، منهاج تألیف ابن جزله، کتاب ابدال زهراوی و کتاب ابدال ابن جزار، است. مؤلف در مقدمه کتابش در این باره می‌گوید: «همانا من این کتاب را از کتب مفصل اختصار نمودم، به این شیوه که تطویل را به کناری نهادم و تنها مفرداتی را ذکر کردم که در دست است و پیدا کردن آن کار چندان سختی نیست» (۵۷). نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های دارالکتب المصریه، المکتبه الغریبه بالجامع الکبیر صنعا؛ (۱۵) آستان قدس رضوی و دانشکده پزشکی تهران وجود دارد (۲۷). این کتاب توسط محمود عمر الدمیاطی تصحیح و دارالکتب العلمیه آن را در سال ۱۴۲۱ ه. ق منتشر نموده است.

انصاری دمشقی

محمد بن ابی بکر بن ابی طالب انصاردمشقی معروف به شیخ حطین در قرن هفتم هجری می‌زیسته است (۳۴). وی کتاب الدر الملتقط فی علم فلاحتی الروم و النبط را درباره‌ی فنون کشاورزی تألیف نمود. از این اثر نسخه‌هایی در دارالکتب والوثائق القومیه در قاهره موجود است (۵۹).

بهنام بن موسی

بهنام بن موسی بن یوسف المسیحی المتطبب، معروف به ابن البواب رحمه الله است (۲۶). الحشایش اثر دیسقوریدس را

مؤلف ناشناس

مؤلفی ناشناس در قرن هفتم هجری قریبادینی در نوزده باب به زبان عربی نگاشته است که نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملی موجود است (۳۱). همچنین مؤلف ناشناس دیگری اثری به نام الادویه المركبه به زبان عربی نگاشته است و از آن دست‌نویسی در کتابخانه ادبیات تهران وجود دارد (۲۵). مترجمی ناشناس نیز در سال ۶۷۹ هجری کتاب منهج البیان فی ما يستعمله الانسان اثر ابن جزله پزشک و داروشناس قرن پنجم هجری را به فارسی ترجمه کرد و نسخه آن در کتابخانه خدابخش هند موجود است (۲۹).

نتیجه‌گیری:

اگرچه در موارد متعدد، خط سیر تألیف آثار گیاه‌شناسی در دوره اسلامی نشان از تأثیرپذیری آنان از میراث تمدنهای دیگر دارد اما دانشمندان تمدن اسلامی فقط به نقل و ترجمه اکتفا نکردند بلکه به بررسی، مشاهده و آزمایش نیز پرداختند و بر اثر همین تتبع و کاوش علمی به پیشرفتی چشمگیر دست یافتند. آنان آثار فراوان ارزشمندی تألیف و همچنین گیاهان جدیدی را شناسایی و معرفی نمودند.

با وجود مقارن بودن قرن هفتم با حمله مغول و جنگهای صلیبی، در قلمرو اسلامی آثار فراوانی در زمینه گیاه‌شناسی به رشته تحریر درآمد و دانشوران بزرگی در این علم از میان برخاستند. حمله مغولان در شرق عالم اسلامی، ضربه شدیدی بر پیکر تمدن اسلامی وارد نمود، از جمله نابودی مراکز دانش، کشته شدن و یا جلائی وطن عده‌ای از دانشمندان و پزشکان، و از دیگر آثار آن، انتقال مرکز فعالیت علمی به غرب جهان

اسلام و خاصه شام و مصر بود. اکثر تألیفات گیاه‌شناسی این دوره مربوط به غرب جهان اسلام است و اکثر دانشمندان شرق جهان اسلام همانند نجیب الدین سمرقندی پیش از حمله مغول به تألیف کتابهای خود پرداخته اند.

از جمله کتابهای گرانسنگی که نشان از تکامل دانش گیاه‌شناسی در این قرن دارد آثار مبسوطی همچون الشامل، تألیف ابن نفیس و الجامع، نگاشته ابن بیطار است. اهمیت و ارزش الجامع ابن بیطار بدان پایه بوده که دانشمندان بسیاری از آن گزیده و اختصار نوشتند و آن را به زبانهای دیگر نیز ترجمه نمودند.

از ۶۱ اثر معرفی شده در این مقاله، ۴۵ مورد آن دارای نسخه است و از گزند ایام و حوادث روزگار مصون مانده و به صورت مکتوب به دست ما رسیده است اما از برخی از آنها همانند کتاب الرحله النبایه نگاشته ابن رومیه - که از مهمترین ثمرات تمدن اسلامی در زمینه دانش گیاه‌شناسی به شمار می‌روند و بسیاری از تألیفات متأخر اسلامی از آن استفاده کرده اند- نسخه‌ای بدست ما نرسیده و تنها در کتابهای دیگر از آنها یاد شده است.

تمایل به تألیف و ترجمه آثار گیاه‌شناسی به زبان فارسی در این قرن دیده می‌شود مانند ترجمه الصیدنه ابوریحان بیرونی و کتاب منهج البیان فی ما يستعمله الانسان ابن جزله به فارسی.

References:

1. Ghahreman A, Okhovat AR. Matching the Old Descriptions of Medicinal Plants with the Scientific Ones. Vol 2. Tehran: University of Tehran press; 2010. [in Persian]
2. Shams Ardakani MR, Zolfaghari B, Roozbahani M, Turki M, Roozbahani, A. Morrori bar Tarikh va Mabani Tebbe Sonati Islam va Iran. Tehran: Sahbaei danesh; 2011. [in Persian]
3. Sarton G. A History of Science: Ancient Science Through the Golden Age of Greece. Translated by: Aram A. Tehran: Amir Kabir Press; 1968.
4. Naderi N. Daru/Darusazi. In: Encyclopedia of the Islamic World. Vol 16. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation Press; 2011.
5. Ghahreman A, Okhovat AR. Matching the Old Descriptions of Medicinal Plants with the Scientific Ones. Vol 1. Tehran: University of Tehran press; 2005. [in Persian]
6. Al-defh AA. Mashahir Giyahshenasi Dar Tamadon Islami. Translated by: Ghafari F. Tehran: Pajoheshgah Oloom Ensani va Motaleat Farhangi Press; 2008. [in Persian]
7. Velayati AA. Farhang va Tamadon Islami. Qom: Daftar nashre maaref Press; 2013. [in Persian]
8. Al-fakhouri H, Ger Kh. Tarikhe Falsafe dar Jahan Islami: Tarikh Al-phlsafe Al-Arabieh. Translated by: Ayati AM. Tehran: Sherkat Entesharat Elmi Farhangi Press; 1995. [in Persian]
9. Aram A. Elm Dar Islam. Tehran: Soroush; 1987. [in Persian]
10. Jan Ahmadi F. Tarikh Farhang va Tamadon Islami. Qom: maaref Press; 2011. [in Persian]
11. Ibn al-Nafis AH. Al-Shamil fi al- Sana-ye al-Tibbiyy-ye. Research by: Zaidan Y. Vol 1. Tehran: Iran University of Medical Sciences: Mossaseyeh Motaleate tarikhe pezheshki, Tebe Islami va Mokamel; 2008. [in Arabic]
12. Habibi Mazaheri M. Ayoubian. In: The Great Islamic Encyclopedia. Vol 9. Tehran: The Center for the Great Islamic Encyclopedia; 2001. [in Persian]
13. Zaryab A. Ibn maymon. In: The Great Islamic Encyclopedia. Vol 5. Tehran: The Center for the Great Islamic Encyclopedia; 1999. [in Persian]
14. Al-Qurtubi MA. Sharh Asma Al-agar. Translated by: Moghadas E. Tehran: Nilofar Press; 2013. [in Persian]
15. Curcis A. Masader al- Nabatat al-Tebbieh. Baghdad: Al-Majma Al-Elmi Al-Iraqi; 1986. [in Arabic]
16. Derayati M. Fehrestvare-e Dast Nevesh-ha-ye Iran (DNA). Vol 6. Tehran: Library, Museum and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly Press; 2010. [in Persian]
17. Sezgin F. Arabic Literature. Translated by: Khane Ketab. Vol 3. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance; 2001. [in Persian]
18. Tajbakhsh H. Tarikhe Pezheshki va Dampezheshki Iran. Vol 2. Tehran: Tehran University Press; 2006. [in Persian]
19. Derayati M. Fehrestvare-e Dast Nevesh-ha-ye Iran (DNA). Vol 7. Tehran: Library, Museum and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly Press; 2010. [in Persian]
20. Rahimluo Y. Ibn Habal. In: The Great Islamic Encyclopedia. Vol 5. Tehran: The Center for the Great Islamic Encyclopedia; 1999. [in Persian]
21. Ibn Abi Usaibia MM. Ayun Al-Anba fi Tabaghat Al-Atteba. Translated by: Zakir MI. Vol 3. Tehran: Zaem; 2014.

- [in Persian]
22. Abdel-Hafiz M. Fehres Makhtotat al-Tibb va al- Seydneh va al-Bitarreh va al- Bizarreh fi Dar-al-kutob al-vatanieh b-Tunisia, al- Monazameh al-Arabieh li Tarbieh va Seghafeh va al-Oloom. Vol 1. Cairo: Moahed al- Mokatebat al-arabieh; 2000. [in Arabic]
 23. Hosseini SA. Fehrest Noskhehaee Khati Ketabkhane Ayatollah Marashi Najafi. Vol 34. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Press; 2006. [in Persian]
 24. Derayati M. Fehrestvare-e Dast Nevesh-ha-ye Iran (DENA). Vol 2. Tehran: Library, Museum and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly Press; 2011. [in Persian]
 25. Derayati M. Fehrestvare-e Dast Nevesh-ha-ye Iran (DENA). Vol 1. Tehran: Library, Museum and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly Press; 2010. [in Persian]
 26. Erfanian Gh Fehrest Kotub khati Ketabkhane Markazi va Markaz Asnad Astan Quds Razavi. Vol 19. Mashhad: Central Library Publications and Astan Quds Razavi Documentation Center; 2001. [in Persian]
 27. Shams Ardakani MR, Mokhber Dzfoli MR, Ghasemlo F, Sadr M. Fehrestvare-e Moshtarak-e noskhe-ha-ye khati-ye Pezeshki va Oloom Vabasteh Dar Ketabkhane-ha-ye Iran. Tehran: Sabz Arang; 2008. [in Persian]
 28. Sarmaghandi, NMA. Osul-e Tarkib Al-adwiya. Research by Najlah Qasim A. Baghdad: Baghdad Society; 1984.p: [in Arabic]
 29. Monzavi A. Fehrestvare-e Kitab-ha-ye Farsi: Pezeshki, Darusazi, Oloom Tabiee, Kimiya. Vol 5. Tehran: Center Of Islamic Encyclopedia press; 2003. [in Persian]
 30. Derayati M. Fehrestvare-e Dast Nevesh-ha-ye Iran (DENA). Vol 2. Tehran: Library, Museum and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly Press; 2010. [in Persian]
 31. Derayati M. Fehrestvare-e Dast Nevesh-ha-ye Iran (DENA). Vol 8. Tehran: Library, Museum and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly Press; 2010. [in Persian]
 32. Alam H. Jostar-ha-ye dar Tarikhe Oloom Doreh Islami. Tehran: Encyclopedia Islamic foundation; 2002. [in Persian]
 33. Shashin R, Isaki J, Aghpkar J. Fehres Makhtotat al-Tibb al-Islami fi Maktabat Turkey. Tehran :Iran University of Medical Sciences, Mossaseyeh Motaleate tarikhe pezeshki, Tebe Islami va Mokamel; 2007. [in Persian]
 34. Issa Bek A. Tarikh Al-Nabat end Al-Arab. Cairo: Al- etemad Press; 1943. [in Arabic]
 35. Ibn Abi Usaibia MM. Ayun al-Anba fi Tabaghat Al-Atteba. Research by Al-Najjar A. Vol 4. Cairo: Al-hiya al-Mesqiyah al-umeh Lilketab; 2001. [in Arabic]
 36. Derayati M. Fehrestvare-e Dast Nevesh-ha-ye Iran (DENA). Vol 10. Tehran: Library, Museum and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly Press; 2010. [in Persian]
 37. deanat AA. Ibn Rumieh. In: The Great Islamic Encyclopedia. Vol 3. Tehran: The Center for the Great Islamic Encyclopedia; 1995. [in Persian]
 38. Ibn al-Khatib M. Al-Ehateh fi Akhbar Gharnate. Vol 1. Cairo: Mosoeveh press; 1901. [in Arabic]
 39. Ibn Abi Usaibia MM. Ayun al-Anba fi Tabaghat Al-Atteba. Research by Al-Najjar A. Vol 3. Cairo: Al-hiya al-Mesqiyah al-umeh Lilketab; 2001. [in Arabic]
 40. Jamshid Nejad Gh. Ibn Abi al-Bayan. In: The Great Islamic Encyclopedia. Vol 2. Tehran: The Center for the Great Islamic Encyclopedia; 1995. [in Persian]

41. 41. Alam H. Ibn Baytam. In: The Great Islamic Encyclopedia. Vol 3. Tehran: The Center for the Great Islamic Encyclopedia; 1995. [in Persian]
42. 42. Alam H. Al-Jami Li-Mufradat Al-Adwiya Wa al-Aghdiya. In: Encyclopedia of the Islamic World. Vol 9. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation Press; 2005. [in Persian]
43. 43. Ibn al-Baitar AA. Tafsir-e Kitab-e Dioscorides. Research by: Bin Murad I. Beirut: Dar al-Gharb al-Islami; 1988. [in Arabic]
44. 44. Mohammadi Far SH. Dioscorides. In: Encyclopedia of the Islamic World. Vol 18. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation Press; 2013. [in Persian]
45. 45. Bin Murad I. The Al-Mostaleh Al-Ajami fi Al-Tibb va al- Seydneh Al-Arabi-ye. Vol 1. Tehran: Iran University of Medical Sciences, Mossaseyeh Motaleate tarikhe pezeshti, Tebe Islami va Mokamel; 2005. [in Arabic]
46. 46. Biruni AR. Al-Seydaneh fi Al-Tibb: DaruShenasi dar pezeshti. Translated by: Mozaffarzadh B. Tehran: Farhangestan zaban va Adab Farsi.; 2004. [in Persian]
47. 47. Attar Israeli DAN. Minhaj Al-dakan va Dastor Al-ayan fi Amal va tarakib Al-Adwiya Al-nafe-eh Al-abdan. Tehran: Iran University of Medical Sciences, Mossaseyeh Motaleate tarikhe pezeshti, Tebe Islami va Mokamel; 2004. [in Arabic]
48. 48. Rahimluo Y. Ibn Hebri. In: The Great Islamic Encyclopedia. Vol 4. Tehran: The Center for the Great Islamic Encyclopedia; 1991. [in Persian]
49. 49. Zirkli Kh. AL-Alam. Vol 6. Beirut: Dar al-Ilm li al-mallayen; 2002. [in Arabic]
50. 50. Sajadi SS. Ibn Nafis. Great Islamic Encyclopedia. In: The Great Islamic Encyclopedia. Vol 5. Tehran: The Center for the Great Islamic Encyclopedia; 1999. [in Persian]
51. 51. Renan, Colin A. The History of Cambridge Science. Translated by: Afshar H. Tehran: nashre markaz press; 2003. [in Persian]
52. 52. Ghassemlou F. Daru/Darusazi. In: Encyclopedia of the Islamic World. Vol 16. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation Press; 2011. [in Persian]
53. 53. Derayati M Fehrestgān-e Noskhe-ha-ye Khatti-ye Iran (FANKHA). Vol 7. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran; 2012. [in Persian]
54. 54. Moghimi Gh. Ibn Sowaidy. In: The Great Islamic Encyclopedia. Vol 3. Tehran: The Center for the Great Islamic Encyclopedia; 1995. [in Persian]
55. 55. Zamiri A, Moairi Z. Fehrest-e nosakh-e khati-e Ketabkhane Meli Jomhuri Islami Iran. Vol 14. Tehran: National Library of the Islamic Republic of Iran press; 1996. [in Persian]
56. 56. Derayati M Fehrestgān-e Noskhe-ha-ye Khatti-ye Iran (FANKHA). Vol 28. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran; 2011. [in Persian]
57. 57. Ghassani Turkamani MM. Al-motamed fi Al-Adwiya Al-Mufradh. Research by: Al-dmyaty MO. Beirut: Dar al-kuttob Al-elmyeh; 2000. [in Arabic]
58. 58. Derayati M Fehrestgān-e Noskhe-ha-ye Khatti-ye Iran (FANKHA). Vol 6. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran; 2012. [in Persian]
59. 59. Al- Nadwa Va Al-Alamieh Al-saleseh Li Tarikhe Oloom end Al-Arab. Fehres Makhtotat Al- Falaheh, Al-Nabat, Al-Mayah va Al-Ra. Kuwait: Mossaseyeh Al- Kuwait Li Taghadom Al-Elmi; 1988. [in Arabic]

60. 60. Biruni AR. Seydneh. Vol 1. Translated by: Abu Bakr ibn Ali ibn Usman Kassani. Research by Sotoudeh M, Afshar I. Tehran: Shahid Beheshti University, Printing and Publishing Center; 2008. [in Persian]